

«کانون حمایت از جنبش کارگری در ایران»

تحمیل فلاکت امروز بر طبقه کارگر در ایران محصول ترکیب نامیمون منفعت ناب سرمایه در پوشش جهالت مذهب دولتی است. در واقع، رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی طبقه کارگر را از کلیه حقوق اجتماعی و انسانی خود محروم نموده و هرگونه تلاش در راستای تشکل مستقل را با شدیدترین روش‌ها و ابزارها سرکوب کرده است. کارگران در ایران در طی سه دهه‌ی گذشته بسیاری از دست‌آورد‌های پیشین خود را از دست داده‌اند و سطح زندگی طبقه کارگر از سی سال قبل به مراتب پائین‌تر است؛ این وضعیت جنبش کارگری را در یکی از سخت‌ترین دوران‌های حیات خویش قرار داده است.

کاهش مداوم دستمزد واقعی به نحوی که امروز حتی ۱۶ ساعت کار نیز جواب‌گوی حداقل معیشت کارگران نیست، اخراج گروه گروه کارگران، ارتش چند میلیونی بی‌کاران، فقر مطلق و گرسنگی میلیون‌ها انسان زحمت‌کش تنها گوشه‌هایی از شرایط دشوار و اسف‌باری است که کارگران با آن روبرو هستند.

گرچه کارگران ایران طی چند سال گذشته اشکال مبارزاتی متنوعی (از قبیل راه‌بندان، اعتصاب، تظاهرات و غیره) را تجربه کرده، ابعاد محفلی را پشت‌سر گذاشته و در سطح اجتماعی ظاهر شده‌اند و حتی ایجاد تشکل مستقل خود را هدف گرفته‌اند؛ اما طبقه کارگر به‌جز شرکت اتوبوس‌رانی واحد و کارخانه‌ی نیشکر هفت‌تپه -هنوز- موفق به ایجاد نهادهای طبقاتی و توده‌ای خود نشده است.

گذر از این پراکندگی، نبردی وسیع و سنگین را می‌طلبد که مستلزم بیش‌ترین تلاش‌ها و در همه‌ی ابعاد است. این نبرد وسیع و سنگین بدون پشتیبانی بین‌المللی و خصوصاً بدون حمایت همه‌جانبه و متشکل سوسیالیست‌های انقلابی، آزادی‌خواهان رادیکال، مردم رانده شده یا گریزان از سرکوب‌گری‌های جمهوری اسلامی و به‌ویژه فعالین صدیق کارگری در تبعید (از منفرد گرفته تا متشکل) نتیجه‌ی قاطعی نخواهد داشت. از این‌رو، ضروری است که همه‌ی این‌گونه نیروهای تبعیدی خود را در تشکل‌های فراگرایشی (اما، طبقاتی و ضدژیمبی) به‌گونه‌ای متشکل کنند که ضمن جلب بیش‌ترین حمایت‌ها از میان مردم و نهادهای مدنی مترقی کشورهای میزبان، شدیدترین فشارها را در راستای حمایت از جنبش کارگری ایران به جمهوری اسلامی (به‌مثابه‌ی تشکل صاحبان ریز و درشت سرمایه در دولت) وارد بیاورند.

گرچه از بدو ورود اولین تبعیدیان سیاسی و کارگری به هلند کمپین‌های متعدد و مؤثری (در زمینه‌ی دفاع از حقوق پناهندگی، جنبش زنان و دانشجویان، مبارزات کارگری، دفاع از آزادی اندیشه و بیان، دفاع از شخصیت‌هایی که توسط رژیم زیر ضرب گرفته شده‌اند و...) سازمان یافته است؛ اما گسترش مبارزات کارگری، درک ضرورت سازمان‌یابی مستقل طبقاتی و هم‌چنین شدت‌یابی سرکوب‌گری جمهوری اسلامی طی چند سال اخیر این ضرورت را در مقابل فعالین سیاسی و کارگری قرار داده است که خود را در نهادی سازمان‌دهنده که از زاویه وحدت طبقاتی به‌مبارزه‌ی کارگران نزدیک شود و به‌طور دائم در امر حمایت از جنبش کارگری ایران فعالیت داشته باشد. دریافت این ضرورت طی پروسه‌ای سرانجام به‌تشکیل نهاد حمایت‌کننده‌ای با نام «کانون حمایت از جنبش کارگری در ایران» منجر گردید.

موضع و موقع «کانون حمایت از جنبش کارگری در ایران»

۱- «کانون...» از هرگونه ابتکار کارگری با مضمون مبارزه‌ی مستقل طبقاتی دفاع می‌کند: مبارزه‌ی طبقه کارگر بر علیه طبقه سرمایه‌دار همانند ستونی است که کل بنای جامعه سرمایه‌داری بر آن بنا شده است. عمده‌ی این رابطه، ضمن این‌که سازای وحدت طبقاتی کارگران است، همه‌ی روابط درونی طبقه کارگر یا روابط درونی طبقه سرمایه‌دار را فرعی می‌کند. بنابراین، «کانون حمایت از جنبش کارگری در ایران» به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند نیروی خود را برگرایش، منطقه، گروه‌بندی یا تشکل خاصی در درون طبقه کارگر متمرکز کند که عمده‌ی وحدت طبقاتی کارگران در مقابل سرمایه را به‌چالش می‌کشد. چراکه هر نهاد حمایت‌گر عمدتاً از طریق ایجاد فشار بر دولت به‌مثابه‌ی عالی‌ترین نقطه‌ی وحدت صاحبان سرمایه و مهم‌ترین عامل سرکوب در مقابل سازمان‌یابی کارگران است که می‌تواند به‌حمایت از طبقه کارگر برخیزد. گرچه اعمال چنین فشاری ابعاد، اشکال، درجات، ابزارها، مراحل و... گوناگونی دارد؛ اما نباید فراموش کرد که اگر اعمال فشار بدولت (یا حتی سرنوینی آن) با وحدت طبقاتی-مبارزاتی کارگران هم‌سو و هم‌راستا نباشد، به‌جای مبارزه با نظام سرمایه‌داری به‌عمده کردن تضادهای فرعی‌ای پرداخته‌ایم که ناخواسته به‌بقای بیش‌تر نظام سرمایه‌داری منجر می‌گردند.

۲- «کانون...» نهادی مستقل در تقویت وحدت طبقاتی کارگران است: گرچه کارگران در رابطه‌ی تولید اجتماعی کلیت یک‌پارچه‌ای را می‌سازند؛ اما عوامل متعددی (مانند پیچیدگی یا سادگی مناسبات تولید، مناسبات و فرهنگ ملی-منطقه‌ای، سطح آموزش

عمومی، میزان آگاهی طبقاتی، دوگانگی‌های خرده‌بورژوازی-کارگری، نفوذ احزاب غیرسوسیالیستی، تأثیر اقشار میانی-متوسط و مانند آن می‌تواند به‌گروه‌بندی‌ها و گرایشاتی در درون طبقه‌کارگر منجر گردد. از آن‌جاکه حمایت از این گرایش‌ها و گروه‌بندی‌ها احتمالاً با وحدت طبقاتی و مبارزاتی طبقه‌کارگر متناقض واقع خواهد شد؛ از این‌رو، ضروری است که نهاد حمایت‌کننده از جنبش کارگری اساساً و به‌طور بنیادی مستقل و در راستای تقویت جنبش یک‌پارچه و متحد کارگری سازمان یافته باشد.

۳- عضویت فردی و نه سازمانی است: از آن‌جا که اغلب فعالین کارگری و سیاسی در احزاب و سازمان‌های مختلفی عضویت دارند که دارای سبک‌کار، گرایش و دیدگاه‌های سیاسی خاصی هستند و این دیدگاه‌ها و... در مقابل هم به‌مناقشه‌ی نظری و عملی نیز می‌رسند؛ از این‌رو، عضویت در «کانون...» تنها با هویت، توان و دریافت‌های شخصی قابل پذیرش است. چراکه موضوعیت کار و فعالیت «کانون حمایت از جنبش کارگری در ایران» اساساً بر وحدت طبقاتی کارگران در مقابل وحدت طبقاتی سرمایه‌داران، مبارزه با دولت جمهوری اسلامی و کلیت یک چشم‌انداز سوسیالیستی متمرکز است.

گرچه «کانون...» از هرگونه کندوکاوی در امر عقاید شخصی (حتی در مورد فعالین خود) پرهیز می‌کند؛ اما از آن‌جا که عضویت افراد در «کانون...» به‌معنی حذف مناسبات تشکیلاتی-سازمانی آن‌ها نیست و هرشخصی (گرچه به‌طور غیرمستقیم) مناسبات و دیدگاه‌های تشکیلاتی خود را به‌درون «کانون...» می‌آورد؛ از این‌رو، ضروری است که «کانون...» از پذیرش افرادی که در نهادها و سازمان‌های هم‌سو با نظام سرمایه‌داری (اعم از سلطنتی، اسلامی و غیره) شرکت، عضویت یا وابستگی دارند، خودداری کند.

۴- «کانون...» نهادی دائمی است: از آن‌جاکه مبارزه طبقاتی امری دائم است؛ از این‌رو، «کانون...» نیز نهادی دائم و پایدار خواهد بود و از همه‌ی امکانات هم‌راستا با وحدت طبقاتی کارگران در مقابله با وحدت طبقاتی سرمایه‌داران استفاده می‌کند. طبیعی است که امکانات، ابزارها و شیوه‌هایی که توسط این نهاد دائمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به‌هیچ‌وجه نباید متناقض با مبارزه‌ی تاریخی برعلیه تمامیت نظام سرمایه‌داری و دولت‌های پاسدار سرمایه باشد.

۵- پیوند با جنبش کارگری هلند: از آن‌جاکه سرمایه‌داری نظامی جهانی و جهان‌گستر است و اصولاً مبارزه‌ی طبقاتی نیز گستره‌ای جهانی دارد؛ از این‌رو، یکی از اساسی‌ترین وظایف «کانون...» گسترش جهانی مبارزه‌ی کارگری و طبقاتی در ایران است. فراتر از تحلیل‌های تئوریک، دریافت عملی فعالین جدی و صدیق جنبش کارگری در داخل کشور نیز نشان از این دارد که بدون جلب حمایت‌های وسیع و همه‌جانبه‌ی بین‌المللی، ایجاد تشکل مستقل کارگری فراگیر و قدرتمند در ایران آن‌چنان به‌کندی می‌گراید که پاسخ‌گوی نیازهای جنبش نخواهد بود. از این‌رو، یکی از اساسی‌ترین وظایف نهادهای حمایت‌کننده جلب پشتیبانی‌های بین‌المللی است. گرچه تجارب مفیدی در امر ارتباط با نهادهای رسمی کارگری وجود دارد و هم‌اکنون بسیاری از نهادهای بین‌المللی به‌طور مستقیم با پاره‌ای از نهادهای کارگری ارتباط دارند و از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند؛ اما هنوز نهادهای کارگری رسمی هلند ارتباط چندانی با جنبش کارگری در ایران ندارند و در حد فرمال هم کمک چندانی به آن نمی‌کنند. رفع این معضل یکی از وظایف «کانون...» است. از آن‌جا که سرمایه‌داری یک نظام جهانی است و سامان زندگی انسانی در تحقق انترناسیونالیسم پرولتری است، طبیعی است که جلب حمایت نهادهای کارگری در هلند یا دیگر کشورها مشروط به رابطه و عمل متقابل است؛ بنابراین، «کانون...» هم‌چنین می‌بایست در حد توان و امکانات خود در مبارزات کارگری هلند و دیگر جنبش‌های هم‌سو با این مبارزات فعالیت مستمر داشته باشد.

ضرورت گسترش جهانی جنبش کارگری هم‌چنین حکم می‌کند که «کانون...» فراتر از ایجاد رابطه با اتحادیه‌های کارگری در هلند که به‌هرصورت حالتی اداری دارند و نهایتاً تابع دولت خودی هستند، با کارگران و عناصر مترقی مستقل این کشور هم رابطه‌ی ویژه‌ای برقرار کند تا ضمن گسترش کمک‌های فرمال نهادهای رسمی، بخش‌هایی از کارگران و عناصر مستقل مترقی را مستقیماً به‌جانب‌داری از جنبش کارگری در ایران متقاعد کند.

۶- استقلال و هم‌سوئی با سایر نهادهای حمایت‌کننده: از آن‌جاکه فعالین کارگری و سیاسی در دیگر کشورها نیز ضرورت ایجاد نهادهای حمایت‌کننده را درک کرده‌اند؛ از این‌رو، قابل تصور است که «کانون...» ضمن اصرار بر استقلال خود، هم‌سوئی و هم‌آهنگی و فعالیت‌های مشترک با دیگر نهادهای مشابه یا ذی‌ربط (از جمله سازمان‌ها و احزاب صدیق و مدافع راستین منافع کارگران) را در برنامه‌ی خود داشته باشد.

۷- چه نوع تشکلی مورد حمایت قرار می‌گیرد؟ «کانون...» از تمام نهادهای کارگری که اساساً و به‌طور همه‌جانبه از سرمایه‌داران، دولت‌ها، احزاب بورژوازی و نهادهای مذهبی مستقل باشند، با تمام توان و بدون هرگونه پیش شرط دیگری پشتیبانی می‌کند.

گرچه اساسی‌ترین پراتیک «کانون...» مبارزه با قوانین و حتی کلیت دولت جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری است؛ اما از آن‌جا که تحقق گرایش سوسیالیستی و وجه سرنگون‌طلبانه‌ی خود را به‌کمال حمایت از وحدت جنبش کارگری مشروط می‌داند؛ از این‌رو، پشتیبانی خود را فقط به‌نهادهای سرنگونی‌طلب و ضدسرمایه‌دارانه مشروط نمی‌کند. چراکه «کانون...» بدین باور و مجهز بدین تحلیل است که مبارزه‌ی متشکل و مستقل طبقاتی به‌طور خودبه‌خود زمینه‌ی ضدسرمایه‌دارانه و سوسیالیستی دارد؛ و نهاد حمایت‌کننده می‌تواند در پروسه‌ی حمایت خویش از تمامیت جنبش کارگری، باب تبادلات سوسیالیستی را نیز با کارگران در ایران بگشاید تا این زمینه‌ی خودبه‌خودی و بارور نشده به‌دریافت و عمل آگاهانه‌ی سوسیالیستی و انقلابی فرابریود. بنابراین، تنها معیاری که «کانون...» حمایت خود را به آن مشروط می‌کند، صرفاً استقلال طبقاتی نهادهای کارگری در ایران است؛ و این حمایت شامل سندیکاها، شوراها، انجمن‌ها، مجامع عمومی و هرگونه تشکیلی که به‌ابتکار کارگران شکل بگیرد، خواهد بود.

از آن‌جا که نظام سرمایه‌داری به‌طور کلی و جمهوری اسلامی به‌طور خاص در کنار استثمار نیروی کار کارگران، دیگر گروه‌بندی‌های جامعه را نیز از جنبه‌های گوناگون مورد ستم و استثمار قرار می‌دهد؛ از این‌رو، «کانون...» خود را موظف می‌داند که از همه‌ی جنبش‌های هم‌راستا با جنبش کارگری نیز حمایت کند.

۸- معیار، مناسبات و تصمیم‌ها: «کانون...» کلیه تصمیمات خود را بر اساس اقتناع و نهایتاً رأی‌گیری تنظیم می‌کند که در آئین‌نامه‌های داخلی معلوم خواهد شد. گرچه هرارگانی متناسب با وظیفه‌ی خویش قرارداتی دارد که توسط خودش به‌تصویب می‌رسد، اما در آن‌جایی که این قرارها جنبه‌ی عمومی و آئین‌نامه‌ای داشته باشند، می‌بایست به‌تصویب اجلاس عمومی برسد. از آن‌جا که اجلاس عمومی اعضای «کانون...» عالی‌ترین ارگان این نهاد است؛ از این‌رو، کلیه امور اساسی آن می‌بایست با رأی این اجلاس برنامه‌ریزی شده و جنبه‌ی اجرائی پیدا کند. بنابراین، ضروری است که اولین اجلاس عمومی که اساساً به‌قصد بررسی، اصلاح و تصویب این منشور و نتیجتاً تشکیل «کانون حمایت از جنبش کارگری در ایران» برگزار می‌شود، به‌کمیسون خاصی مأموریت بدهد تا متناسب با منشور تصویب شده، ساختار تشکیلاتی و ارگان‌های لازم را و همچنین چشم‌اندازهای آن را طراحی کند، در اختیار عموم اعضا قرار داده و سرانجام در اجلاس عمومی دوم (که حداکثر دو ماه بعد از اولین اجلاس برگزار می‌شود) مورد بررسی قرار گرفته، اصلاحات لازم به‌عمل بیاید و به‌تصویب برسد. این طرح دربرگیرنده‌ی دوره‌های برگزاری اجلاس عادی و همچنین چگونگی اجلاس‌های فوق‌العاده نیز خواهد بود. لازم به‌تذکر است که افراد داوطلب یا منتخب برای تدوین اساسنامه و دیگر اسناد لازم، الزاماً می‌بایست از میان کسانی باشند که عضویت علنی «کانون...» را پذیرفته باشند.

نوشته‌ی فوق که از این پس «پیش‌نویس منشور کانون حمایت از جنبش کارگری در ایران» نامیده می‌شود، در تاریخ ششم دسامبر ۲۰۰۸ با حضور حسین بهادری، اصغر فتاحی، عباس فرد، شهباز مرادی، آذر ادیبی، پوش و خانی و پویان فرد تهیه و تنظیم شد. ضمناً نوشته‌ی فوق مورد تأیید ۳ فعال سیاسی و کارگری (که بنا به دلایل شفاهی نفواستند از آن‌ها نام برده شود) قرار گرفته است؛ و همچنین ملاقات غیابی ناصر نبفی (به‌طور کامل) و نقطه‌نظر غیابی مجید آژنگ (به‌طور نسبی) نیز در این نوشته ملحوظ‌گردیده است. جمع حاضر در جلسه به‌یک گروه ۳ نفره (متشکل از شهباز مرادی، اصغر فتاحی و عباس فرد) مأموریت داد تا طی یک پروسه‌ی دو ماهه‌ی تبلیغ و ترویج، ضمن این‌که متناسب با مقتضیات «پیش‌نویس منشور...» همه‌ی فعالین سیاسی و کارگری در هلند را به‌شکرت در «کانون...» دعوت می‌کند، از طریق یک فراخوان عمومی نیز از همه‌ی علاقمندان بخواهد تا در یک نشست عمومی شرکت کرده و نقطه‌نظرات اصلاحی و راه‌کارهای پیش‌نهادی خود را بیان نمایند. بنابراین، موضوع این نشست عمومی تصویب نهائی «منشور...»، انتقاب جمع تروین‌کننده‌ی اساس‌نامه‌ی «کانون...»، گفتگو در مورد چشم‌اندازها، امکانات عملی آن و تروین سند چشم‌انداز خواهد بود.

جهت اطلاع لازم به‌توضیح است که مسئله‌ی ایجاد نهادهای حمایت‌کننده از جنبش کارگری ایران قدمتی ۱۰ ساله دارد و در هلند نیز بیش از ۳ سال موضوع بحث و گفتگوی پاره‌ای از فعالین سیاسی و کارگری بوده است. ضمناً طی این ۳ سال در کنار اوج و فرازهای گفتگو

درباره‌ی ضرورت ایجاد یک نهاد دائم و فراگیرايشی، چندین آکسیون هم توسط فعالين سياسی و کارگری (اعم از متشکل یا منفرد) در مقابل سفارت رژیم برگزار گردیده است.

با این وجود، «پیش‌نویس...» فوق و تبعاً جمع تدوین‌کننده‌ی آن بیش از ۶ ماه عمر ندارد. بدین ترتیب که در ابتدا ۳ نفر (حسین بهادری، اصغر فتاحی و عباس فرد) روی ۸ محور به توافق رسیدند و براساس این محورها از یک جمع ۱۴ نفره دعوت کردند تا در مورد ایجاد یک نهاد حمایت‌گر به گفتگو بنشینند.

گرچه اکثریت نزدیک به مطلق جمع مزبور ضرورت ایجاد یک نهاد حمایت‌کننده از جنبش کارگری و هم‌چنین محورهای پیش‌نهادی را تأیید کردند؛ اما این نشست به نتیجه‌ی روشن و قاطعی هم نرسید. درحقیقت، آغاز پروسه‌ی تدوین پیش‌نویس «منشور...» به‌دومین نشستی برمی‌گردد که به لحاظ تعداد کم‌تر از نشست اول بود. در این نشست یک گروه ۵ نفره (به‌نام گروه کار) تشکیل گردید تا با مشاوره‌ی ۲ نفر دیگر، یک «سند پایه» تدوین کند و جهت بررسی در اختیار جمع بزرگ‌تر قرار دهد. جلسه‌ی ششم دسامبر که سرانجام به «پیش‌نویس منشور...» هویت بخشید، همان جمع بزرگ‌تری بود که گروه‌کار از طرف آن مأمور تدوین «سند پایه» شده بود.

گروه کار مجموعاً پنج بار جلسه گرفت که دو بار آن حضوری و سه بار هم پالتاکی بود. ضمناً تعداد افراد شرکت‌کننده در گروه‌کار نیز طی انجام کار از پنج نفر به شش نفر افزایش یافت. بدین ترتیب که یکی از افراد گروه‌کار با بیان این‌که خود را همراه بقیه و در پروسه‌ی تشکیل نهاد حمایت‌کننده می‌داند، به دلیل نامعلومی از حضور در جلسات [به‌گفته‌ی خودش: تا اطلاع بعدی] خودداری نمود؛ و گروه‌کار هم برای ترمیم خود از دو نفر دیگر [که یکی از آن‌ها در نشست اول هم جلسه‌ی ۱۴ نفره حضور داشت] دعوت به‌کار کرد تا کار تدوین «سند پایه» متوقف نشود.

به‌طور کلی، «پیش‌نویس منشور...» حاصل ۳ نشست عمومی، ۵ بار جلسه‌ی گروه‌کار و مشاوره‌های متعدد اینترنتی و تلفنی است که سرانجام در تاریخ ششم سپتامبر ۲۰۰۸ به‌صورت کنونی و با امضاهای فوق در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.